

نظریه نگارش تاریخ جهان براساس تاریخ شبه جزیره ایبری، روابط خارجی پرتغال و اسپانیا با

صفویه

world history upon history of Iberian Peninsula (۱۷۳۶- ۱۳۵۰)

دکتر محمد رضا شهیدی پاک^۱^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

چکیده

یکی از ارکان مطالعات صفویه، روابط خارجی دولت صفوی در عصر شکل گیری ارتباطات بین الملل است چه ارتباطی بین روابط فرهنگی ایران و اروپا و تاریخ جهان و تاریخ شبه جزیره ایبری وجود دارد؟ عملیات پژوهش بیان همین پرسش با اثبات این فرضیه است که روابط ایران و اروپا و جهان از پایان قرون وسطی، تابعی از روابط ایران با پرتغال و اسپانیا بوده است. پژوهش از کتاب تاریخ تحلیلی آندلس (۱۳۸۹) و نگارش تاریخ جهان براساس تاریخ شبه جزیره ایبری (اسپانیا و پرتغال) (۱۳۹۸) و مقاله تاریخ نگاری روابط ایران و اروپا و تاریخ جهان براساس تاریخ ایبری و تأسیس دولت استشرافی پرتغال (۱۳۹۸/۲/۸) در دانشگاه اصفهان، کنفرانس بین المللی مطالعات صفویه روابط فرهنگی است. مسئله این که دولت پرتغال و اسپانیا از تجزیه شبه جزیره ایبری بوجود آمدند و در روندی از فعالیت های شرق شناسی در شبه جزیره ایبری و هم زمان با سقوط نهایی آندلس اسلامی شکل گرفتند. کتاب تاریخ تحلیلی آندلس از آن با اصطلاح دولت استشرافی پرتغال یاد کرده است. این دونیمه شدن ایبری با حمایت دول صلیبی اروپایی در پایان قرون وسطی، در واقع منجر به تقسیم جهان بین پرتغال و اسپانیا بر مبنای تصمیم صلیبی پاپ در م ۸۹۸/۱۴۹۳ ه. ش. دو دولتی که روابط بین الملل را با طرح ارتباطات جهانی بر اساس مشروعیت تقسیم زمین بوسیله قدرت امپراطوری ایجاد کردند و تاریخ نگاری جهان بر محور روابط ایران و خلیج فارس و بویژه هرمز با ایبری و براساس باز پس گیری آندلس بوسیله دول صلیبی اروپا انجام گرفت. این روابط سیاسی - نظامی و تجاری بر بنیان های فرهنگی و در جریانی گسترده از شرق شناسی که از مدارس ترجمه و انتقال علوم شهرهای ایبری و بویژه طلیطله است و نتیجه زود آن تأسیس دولت استشرافی پرتغال بود دولتی که نوک قلم دور تازه تاریخ جهان است. منابع گذشته و بویژه چند منبع معاصر که به روابط ایران و اروپا به خصوص روابط فرهنگی آن ها در عصر صفویه پرداخته اند به این ساختار اساسی فرهنگی که از ایبری و از پرتغال و اسپانیا شروع شد و نقش آن در تعیین تاریخ جهان و نگارش تاریخ جهان براساس تحولات تاریخ در شبه جزیره ایبری توجه نکرده اند و فرضیه پژوهش این است که روابط ایران و اروپا متغیری مستقیم از روابط ایران و پرتغال عصر صفوی است. این فرضیه با توصیف جزئی آن در کتاب تاریخ تحلیلی آندلس آمده است و در کتاب نگارش تاریخ جهان براساس تاریخ ایبری و فروپاشی آن با ادله بیشتری تبیین و تدوین شده است. روابط فرهنگی در شکل ده ها سفرنامه های فرهنگی که بسیاری از آن ها در زمان خودش به کار رفت ولی هنوز منتشر نشده است این مختصات نگاری جزئیات فرهنگی و سیاسی اجتماعی مردم ایران بویژه اصفهان و چند شهر بزرگ عصر صفوی زمینه اصلی روابط سیاسی و تعیینات نظامی متعاقب آن ها از جمله سقوط صفویه گردید. انبوه سفرنامه های اروپایی، پارادیمی از روابط فرهنگی بین ایران صفوی و اروپا تا است که، مختصات و آناتومی شکل و رفتار ایران صفوی و مردم آن به دقیقترین شکل کاربردی آن بویژه در سفرنامه چندین مجلدی شاردن تدوین و تنظیم و تشریح شده است. جزئیات مردم شناسی و تاریخ اجتماعی ایران در آن ها نمونه افزایش تولید تاریخ اجتماعی و محلی پیش از اشغال و سقوط یک دولت شهر است که در مورد بیت المقدس و شهرهای شامات و اصفهان پیش از سقوط صورت گرفته است و رابطه تاریخ محلی و تصرف و سقوط را نشان داده است و پرده آخر روابط فرهنگی ایران و اروپا در زمینه هایی از شرق شناسی است که در قالب فرضیه تاریخ محلی و مقدمات امر سیاسی ذکر شده است. واقعیتی تاریخی که در حادثه پایانی و سرنوشت نهایی دولت صفویه به اثبات تاریخی خود رسید. از سقوط طلیطله و تأسیس مراکز شرق شناسی تا سقوط نهایی آندلس چهارصد سال طول کشید و بین سقوط دولت - شهر اصفهان صفوی تا سقوط چهارصد سال روابط فرهنگی است. فرضیه پژوهش نشان داده است که چهارصد سال از تاریخ جهان در قالب روابط ایبری با دولت صفویه نوشته شده است و عملکرد شرق شناسی در هر مکان و زمان و مردم و فرهنگ و آیین ممکن است یکسان باشد.

واژه های کلیدی: شبه جزیره ایبری، آندلس، پرتغال، اسپانیا، تاریخ جهان، هرمز، صفویه، تقسیم جهان، سفرنامه سیاسی - فرهنگی

۱- بنیاد سیاست خارجی و روابط فرهنگی دولت صفویه، کشف ایران

۱-۱- استمرار پدیده کشف جهان بوسیله قدرت های اروپایی در ایران:

کشف ایران تعبیری است که محققان اروپای از نتایج چهارصد سال روابط ایران و اروپا، بدست آوردند و با تعبیر کشف سرزمین ایران در شمار کشفیات سرزمین های جدید بوسیله اروپائیان است که از اقیانوس اطلس از بنادر ایبری و با کشف آمریکای جنوبی و تاسیس کلونی شروع شد و در انتهای زمین در اقیانوس آرام تا آسیای دور گسترش پیدا کرد، مشروعیت توسعه ارضی بر اساس امپراطوری، و تاسیس دولت های محلی بوسیله این امپراطور ر یها روند اصلی سیاست خارجی و روابط بین الملل در عصر صفویه است. و بر همین مبنای بنیاد سیاست خارجی صفویه بر اساس رقابت دول اروپایی که به فکر تاسیس امپراطوری بودند، شکل گرفت. آن ها سیاست های اقتصادی و تدابیر نظامی و رفتار فرهنگی گسترده ای را برای تحقق این کار تدارک دیدند، رابطه با ایران جهت استفاده از موقعیت ایران در تامین اهداف توسعه امپراتوری های اروپایی در تاسیس کلونی های جدید، داشت، در مدارک و مآخذ عصر صفویه کاملاً مشهود است. در راس این روابط اقدامات بسیار گسترده در پوشش سفرنامه ها و ملاقات های فرهنگی است، برخی از کار های فرهنگی از حد شناخت نظری در دوره صفویه فراتر رفت و به یکسان سازی فرهنگی رسید، و به تدریج مینه های ارتباط فرهنگی غالب و مغلوب را فراهم ساخت، نکته جالب توجه این است که حجم روابط فرهنگی عرب با ایران با عنوان کشف ایران یاد کرده اند، نقطه ارتباط با موضوع مقاله شوع کشف از ایبری و با هزینه دولت اسپانیا و پرتغال و در راس کاشفان دریانوردان شبه جزیره ایبری قرار دارند. حتی ریشه های کشف دنیا ی ماورا اطلس را به جوانان مسلمان پرتغالی اهل لشبونه در زمان اندکی پیش از آغاز اکتشافات کلمب و دوگاما، نسبت داده اند. لاکهارت شال شمار ۴۰۰ صد سال روابط ایران و غرب از ۱۳۵۰ تا ۱۷۳۶م را آورده است (تاریخ ایران دوره صفویان ۱۳۸۷/۱۸۲/روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه ۱۳۸۵/۲۴،۲۵). قالب این روابط تجاری و فرهنگی در چهارچوب تشکیلات فرهنگی و تجاری بسیار منظم است. چندین انجمن تبلیغی و کمپانی اقتصادی صورت گرفته است، شناختی که از کشف شروع شد و به نتایج کاربردی رسید. مسئله پژوهش حاضر این مطلب است که چرا حجم سفرنامه های شناسایی و کشف ایران در این عصر به شکل خارق العاده ای رو به افزایش گذاشت و این شناخت یک طرفه است و فراتر از شناخت کشف برای به کارگیری نتایج آن است و تقریباً هیچ گزارش علمی از سفر یک ایرانی عصر صفوی به اروپا و غرب وجود ندارد.

۲-۱- فرضیه پژوهش و میزان درستی و نادرستی آن، رابطه فرهنگی تغییر و سقوط:

مسئله پژوهش حاضر بررسی شروع و استمرار و انتهای روابط با ایران بر اساس طرح شرق شناسی و در چهارچوب مکاتب شرق شناسی اروپایی از ایبری تا اصفهان است که دو سقوط در دولت شهر قرطبه و دولت شهر اصفهان را به همراه داشت، و جزئیات روابط در ده ها جلد کتاب داخلی و خارجی به صورت سال شمار جزئی و تفصیلی آمده است. هم زمانی چهار حادثه جهانی، فتح قسطنطنیه ۵۷/ ۸ ۲۹ مه ۱۴۵۳، تصمیم صلیبی پاپ در ۸۹۸/۱۴۹۳ تقسیم جهان، و تاسیس دولت پرتغال و اسپانیا و پایان باز پس گیری با سقوط غرناطه (۸۹۰ ه) و سقوط نهایی اندلس در ۸۹۳ ه / ۱۴۸۸م است. حوادث آغاز دور جدید تاریخ جهان در ایبری و با بازوی روابط خارجی پرتغال و اسپانیا آغاز شده است و تا پایان عصر صفوی بر سیاست خارجی دولت صفویه هم حاکم بوده است. مراحل انجام و چگونگی این سیاست خارجی بین اروپا و ایران در کتاب تاریخ تحلیلی

آندلس با بیان جریان باز پس گیری آندلس و مراحل پس از آن بررسی شده است. بررسی این فرضیه فقط با در نظر گرفتن متغیر وابسته فرهنگی صورت گرفته است و متغیرهای مستقل سیاسی در روابط دولت صفوی و ایبری عمداً حذف شده است و درستی و یا نادرستی رابطه متغیر فرهنگی با تغییرات در ایبری و اصفهان صفوی مورد سنجش قرار گرفته است و میزان آن تعیین شده است.

۲- آغاز به کار گیری راه های ارتباط فرهنگی با یکسان سازی :

۲-۱- اعلام ساختگی نیابت از پیامبر بوسیله شاه قشتاله - پادشاهی اسلام و مسیحیت:

مهمترین اقدام قدرت حاکم بر ایبری یک پارچه سازی فرهنگی ایبری در هنگام آخرین حضور مسلمانان در ایبری برای قرار گرفتن در روابط بین مسلمانان و تعیین دور جدید روابط با دول اسلامی بر اساس فرهنگ است، از جمله نمونه های دخالت حکام مسیحی در امور داخلی مسلمانان آندلس، حادثه ای است که طی آن، شاه قشتاله، پس از سقوط «مرابطین» وارد قرطبه شد و با ادعای این که دست خط نامه پیامبر اسلام به هرقل، قیصر روم (که ادعا می کرد جد او است) را در اختیار دارد، از مردم خواست به اطاعت او در آیند. او به مردم قرطبه گفت: «از این بیم نداشته باشید که تحت فرمان من باشید؛ زیرا نامه ای که پیامبر شما به جد من هرقل نوشته است نزد من است...». بهر شکل، گره خوردن حوادث دول مسیحی شمال اسپانیا با حوادث داخلی آندلس، از عوامل اصلی سقوط آندلس محسوب می شود. الفونسوی ششم، پیش از آن که در مسند پادشاهی قشتاله قرار گیرد به طلیطله پناهنده شد و در مدتی که با یاران مسیحی خود میهمان «مأمون» بود، از راه های نفوذ به شمال طلیطله به خوبی آگاه گردید. پدیده حل و فصل مسائل داخلی مسلمانان به وسیله نیروهای نظامی مسیحی که بین سران ملوک الطوائف در ایبری رایج شده بود، از پیش به شدت مورد توبیخ و انتقاد مورخینی آندلسی قرار گرفته است؛ در پایان دوره معاصر صفویه هم ندای اسلام خواهی از رجال قدرت طلب اروپا شنید شد و ناپلئون اول دادگاه تفتیش عقاید در اسپانیا را که محصول سقوط آندلس بود را تعطیل کرد و هنگام ورود به مصر خود را محمد جدید معرفی می کرد.

۲-۲- استمرار یکسان سازی فرهنگی در سفرنامه های عصر صفوی

در نوشت های سفرنامه های دوره مطالب بسیاری در مورد یکسان سازی وجود دارد. یکسان سازی از ایبری شروع شد و در عصر صفویه علی رغم وفور ردیه ها، گسترش یافت. تعداد این نوشته های فرهنگی از حد بیرون است، چند نمونه که شاخص ماهیت و اهداف آن ها در یکسان سازی است، عبارت است از: نوشته های رافائل دومان که در ۱۶۶۴ وارد اصفهان شد و زبان فارسی را یاد گرفت و مقدار زیادی از وقت خود را برای گردآوری اطلاعات در مورد ایران و مردمش صرف کرد که کتابی به نام "دولت ایران در ۱۶۶۰" شد و آن را برای استفاده کلبر وزیر مقتدر فرانسه که در آستانه تأسیس کمپانی هند فرانسه در ۱۶۶۴ در صدد جمع اطلاعات در مورد ایران بود، تحریر کرد و شاردن در ۱۶۶۵ وارد ایران شد و مدت ده سال در اصفهان بود و اطلاعات ذی قیمتی و گسترده راجع به ایران و شهرها و مردم و طرز زندگی آن ها گرد آورد سفرنامه او گنجینه اطلاعات ایران در اواخر قرن هفدهم است و سردسته سیاحان این قرن است. جمع آوری اطلاعات در مورد ایران در قالب فعالیت های فرهنگی و سفرنامه ها و مأموریت های مذهبی عرضه می شد، اطلاعات مأموریت دو کانسویل در جمع اطلاعات همه جانبه به نفع کمپانی هند شرقی بود و در ۱۷۰۵ به فرانسه بازگشت و در وزارت خارجه فرانسه اطلاعات او محفوظ است (همان). برخی اطلاعات اندیشیده مانند نامه های ایرانی منتسکیو، نمونه ای از کار فرهنگی یکسان سازی بر اساس اطلاعات تاریخی سفرنامه و تاریخ اندیشیده است.

۳- سیاست های اقتصادی : اقدامات اقتصادی برای تعیین روابط خارجی ایران و اروپا و تاریخنگاری جدید جهان :

۳-۱- مرگ راه دریایی ابریشم و سلطه دریایی پرتغال بر خلیج فارس و اقیانوس هند :

روابط خارجی پرتغال با شرق به منافع امپراطوری رسید و راه دریایی ابریشم به مسافت از بلنسیه تا کانتون در جنوب شرقی چین بزرگترین راه اقتصادی جهان بود که ملل در آن رفت و آمد می کردند ، بوسیله پرتغال از حیز انتفاع برای جوامع اسلامی و ایران خارج شد، این راه قدرت اقتصادی دول اسلامی اندلس را تامین می کرد. ابن بطوطه این راه را از طنجه تا کانتون پیمود (مؤلف/۲۰۰۹). سلطه ناوگان اروپا و به ویژه پرتغال بر دریای مدیترانه و قانونی شدن دزدی دریایی در این منطقه، افزایش رقابت دولت های اروپایی و دولت شهرهای ایتالیا (ونیز، جنوا و...) که از سال ها پیش، تجارت دریایی مدیترانه به ویژه راه جهانی دریایی ابریشم را در اختیار داشته و مسلمانان و صلیبی ها، امور دریایی خود در مدیترانه (حتی انتقال حجاج آندلسی و...) را به وسیله آنها انجام می دادند، باعث رکود تجارت بین المللی در مدیترانه غربی شد و در پی آن، اقتصاد مسلمانان مصر و آندلس که منوط به رونق تجارت دریایی بود، با شکست مواجه گردید و ادامه این اوضاع، به مرگ راه دریایی ابریشم در ۱۵۰۰ م منجر شد.

۳-۲- عملیات مشترک پرتغال و ایتوپیی در سلطه بر اقیانوس هند:

دولت پرتغال در عملیات مشترکی با ایتوپیی، منافع «دولت ممالیک» در «دریای هند» را نابود ساخت و تجارت خارجی این دولت را مختل نموده و مردم مصر را با گرانی و قحطی مواجه ساخت؛ چنان که مقریزی، بحران اقتصادی مصر در دوره ممالیک را ناشی از فساد مالی دانسته است؛ او در کتاب اغاثة الامّة بکشف الغمّة از بحران اقتصادی دوره ممالیک یاد کرده و راه حل هایی برای آن ارائه داده است.

۳-۳- سقوط پشتوانه پولی مسلمانان در مدیترانه: و نمونه آن در عصر صفویه :

سقوط پول در اثر خروج طلا از دست دول مدیترانه ای مسلمان قبل از سقوط شهر های اندلس و به علل دیگر از عوامل اقتصادی سقوط ایبری است . در بین دول اسلامی معاصر صفویه همین اتفاق پولی روی داد ، ارزش پول در قلمرو «دولت ممالیک»؛ که پیشگام تجارت بین المللی بود و در میترانه و اقیانوس هند رقیب و قدرت تجاری بود چنان سقوط کرد که گفته اند: «زن مسلمان مصری گردن بند طلائی خود را به هزار دینار فروخت و یک نان خرید».^۱ اقدامات گسترده برای رفع آثار آن و مجموعه گزارش ها از جمله فتاوی علمای پیرامون «احکام انقطاع النقود الذهبیة و الفضیة» دال بر آثار منفی بحران پولی در جهان اسلام است. سقوط پول در پایان دولت صفویه مانند سقوط پول در ایبری شاخصه عوامل سقوط دولت صفوی بوده است.

۴- جنگ استشراقی -پیدایش حرکت آکادمیک شرق شناسی:

۴-۱- انتقال و شناخت علوم و معارف اسلامی از اندلس به اروپا:

شرق شناسی پدیده ای جدید است که از اواخر قرون وسطی از اندلس شروع شد این پدیده برای شناخت اسلام که نه قرن جنوب اروپا را در اختیار داشت انجام گرفت و این حرکت به ظاهر علمی بنیاد اصلی حرکت غرب برای باز پس گیری اندلس و مهار اسلام در اروپا است. و آن را باید به عنوان دلیلی مستقل و از عوامل متمایز سقوط اندلس دانست. استشراق، از جمله عوامل سقوط اندلس و بلکه علت اصلی سقوط اندلس است. هم زمان با سقوط شهرهای آندلس، میراث علمی و فرهنگی آنها، عاید اروپایی ها

می‌شد. میراث تمدن اسلامی به هر وسیله ممکن، اعم از زور و... به اروپا منتقل می‌شد. برای مثال با کتک‌زدن علمای مسلمان از آنها می‌خواستند که علوم خود را به اروپایی‌ها انتقال دهند. مقری در گزارشی آورده که نیروهای قشتاله با زدن «خرّوف» از او می‌خواستند تا دانش خود را در مورد علم نحو به آنها انتقال دهد. لشکرهای صلیبی متشکل از دول اروپایی، جهت شکستن هیمنه مسلمانان، نوع جدیدی از روابط و مقابله با مسلمانان را آغاز کردند؛ آنها به فراگیری زبان تمدن اسلامی-آندلسی که هشتصد سال اروپا را زیر سلطه خود داشت، روی آوردند؛ تا با شناخت آن بتوانند راه‌های آسیب‌رساندن به آن و نیز، انحراف شخصیت روحی و معنوی مسلمانان را پیدا کنند. فرضیه این است که شرق شناسی در قالب سفرنامه‌ها و روابط فرهنگی در دوره صفویه استمرار یافت و توسعه فوق العاده یافت و عملکرد آن مانند عملکردش در ایبری بود.

۲-۴- تأسیس مراکز مستقل و رقیب شرق شناسی در کشورهای اروپایی:

تشکیلات منظم دریافت و مطالعه علوم و معارف شرقی از شاخصه‌های شرق شناسی است، کشورهای آلمان، انگلیس، هلند، فرانسه، قشتاله، آراگون، پرتغال و نیز نرم‌آنها‌های صقلیه، جریان گسترده‌ای را برای شناخت اسلام به راه انداختند که «استشراق» (شرق‌شناسی) نام گرفت. نقطه آغاز این حرکت‌ها در مرکز اسپانیا، طلیطله و در شمال ایتالیا و صقلیه بود. هم‌زمان با توقف جریان علوم اسلامی در آندلس و ویران شدن مراکز علمی مسلمانان و غارت آثار علمی آنها، مراکز تمدنی مسلمانان در اسپانیا، به مدارس انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا تبدیل شد. الفونسوی دهم، (EL's Afosoxabio)؛ «پاپ» سیلویستر دوم (۹۹۹ م) و بسیاری از پادشاهان مسیحی و رجال کلیسا در فرانسه، ایتالیا، طلیطله و قشتاله، وجه همّت خود را تأسیس مراکز ترجمه و تعلیم و تربیت معارف اسلامی قرار دادند. برخورد اجباری در جنگ چند صد ساله بین مسلمانان و مسیحیان آندلس، زمینه لازم برای فراگیری زبان عربی و معارف وابسته به آن را فراهم نمود. استفاده از طبقه «مدجنان» (MUDejres) یعنی کسانی که به زور مسیحی شده و در آندلس باقی ماندند، از مهم‌ترین راه‌های دسترسی دولت‌های مهاجم اروپایی و اسپانیایی به معارف اسلامی بود. در روابط فرهنگی با صفویه ده‌ها تشکیلات منظم دینی و علمی در قالب چند کمپانی و بنگاه‌های و مراکز تبلیغی با مسولیت روسای دول و مقامات مشهور عهده دار این روابط بودند و فعالیت‌های فرهنگی به صورت سازمان خاصی هدایت می‌شد.

۵- نتیجه: کشف ایبری اسلامی و سقوط آندلس، کشف ایران صفوی و سقوط اصفهان

در بین مطالعات صفوی بررسی روابط خارجی این دولت دارای اهمیت نظری بسیاری در تاریخ ایران و جهان است، روابط چهارصدساله اروپا با آندلس اسلامی و با صفویه اسلامی نهایت یکسانی داشت، و آن سقوط آخرین دوره امپراطوری در ایران بزرگ است که همه منافع همه ایرانیان را تأمین می‌کرد، بود که به خاطر برقرای همین پارادایم از روابط ایران و اروپا در ادوار بعد، هیچگاه فرصت بازگشت پیدا نکرد. این حادثه تاریخی عامل پیدایش نظریه نگارش تاریخ جهان بر اساس تاریخ شبه جزیره ایبری است.

منابع:

تاریخ تحلیلی آندلس، محمد رضا شهیدی پاک ۱۳۸۹. ص ۳۹۶ تا ۳۹۳.

world history upon history of Iberian Peninsula(۱۷۳۶- ۱۳۵۰) Foreign relations of the Safavids dynasty with Europe

Abstract

What is the relationship between Iranian cultural relations with the Iberian Peninsula and world history? The research operation expresses the same question by proving the hypothesis that relations between Iran and Europe since the end of the Middle Ages have been a function of Iran's relations with Portugal and Spain. The study of the analytical history book of Andalus (۲۰۱۰) and the writing world history upon history of Iberian Peninsula (Spain and Portugal) (۱۳۹۸).